روزنامه طلوع

تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ یکشنبه

صفحه ۷ | شماره ۱۸۸۲ | سال بیست و دوم

پیامبر گرامی اسلام (ص):

عالم و دانش آموزان، هر دو در خوبی شریک هستند و در دیگر مردم، (که نه عالم و نه دانش آموز می باشند) خیری وجود ندارد.

نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر میرزایی،چاپ هفتم۱۵۱۸

سفر معاون ورزش بانوان به لامرد

معاون ورزش بانوان استان فارس در سفر یک روزه به لامرد مسایل و مشکلات ورزش بانوان این شهرستان را بررسی کرد.

به گزارش روابط عمومی ورزش و جوانان فارس به نقل از روابط عمومی اداره ورزش و جوانان شهرستان لامرد، در جلسه ای که با حضور اشرف قریشی و رییس اداره ورزش و جوانان، مسئول ورزش بانوان و چند تن از نواب رئیسان هیئت های ورزشی در محل اداره ورزش و جوانان این شهرستان برگزار گردید، مهم‌ترین مسائل و مشکلات ورزش بانوان توسط نایب رئیسان هیئت های ورزشی مطرح شد.

معاون ورزش بانوان استان در این جلسه طی سخنانی اظهار داشت: هیئت های ورزشی شهرستان باید از مدخل اداری، تجاری، مسابقات و... درآمدزایی داشته باشند و در خصوص رعایت روند مکاتبه‌ای و اهمیت درخواست های کتبی هیئت‌های ورزشی جهت برگزاری کلاس های آموزشی و مسابقات به اداره ورزش و جوانان و نیز مکاتبه تمامی برنامه های اداره ورزش و جوانان شهرستان با اداره کل اقدام کنند.

وی همچنین با معرفی سامانه رسیدگی به شکایات آموزشی موجود در پورتال جدید وزارت ورزش و جوانان عنوان کرد: از این پس مربیان که کارت مربیگری و داوری آنها تاکنون صادر نشده با مراجعه به این سامانه و ثبت شکایت می توانند روند دریافت کارت خود را تسریع ببخشند.

کمبود فضای ورزشی ویژه بانوان، نبود استخر جهت استفاده بانوان با توجه به وضعیت آب و هوایی شهرستان، نبود پیست اسکیت مناسب جهت تمرینات اسکیت بازان لامردی و نیز مشکلات اعزام ورزشکاران به مسابقات استانی و کشوری از جمله مواردی بود که در این جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مدیر کل ورزش و جوانان فارس:

دو مجموعه ورزشی خیّرساز در جنوب فارس کلنگ می خورد

مدیرکل ورزش و جوانان فارس از کلنگ زنی دو سالن چند منظوره ورزشی در جنوب فارس و درآینده ای نزدیک خبرداد.

به گزارش روابط عمومی ورزش و جوانان فارس، حیدرعلی کامیاب که برای دیدار با خیرین ایرانی مقیم امارات عربی متحده به شارجه سفر کرده بود، با اعلام این خبرگفت: در این سفر توافق خیر ایرانی اهل فیشور برای ساخت دو سالن چند منظوره در روستای پسبند اشکنان و فیشور جلب شد.

وی میزان مشارکت این خیر را در ساخت دو سالن یاد شده ۳ میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: خیرین حوزه ورزش با علم بر اینکه کمک به ورزش به سلامت جامعه و جلوگیری از بروز آسیب های اجتماعی کمک می کند پای در این مسیر گذاشته اند.

مدیرکل ورزش و جوانان استان فارس ضمن تاکید بر لزوم توسعه فضای ورزشی در نقاط کم برخوردار استان، گفت: باید با همت مسئولان و خیرین استان سرانه و فضای ورزشی را در فارس توسعه دهیم.

کامیاب از کمک بالغ بر ۱۵ میلیارد تومانی خیرین به ورزش و ایجاد و توسعه فضاهای ورزشی در سال ۹۵ در استان فارس خبر داد و افزود: یکی از سیاست های اداره کل ورزش و جوانان استان شناسایی و استفاده از پتانسیل خیرین برای کمک هر چه بیشتر به ورزش استان است.

وی با بیان این که در ورزش کشور نیاز به حضور خیرین ورزشی‌ساز کاملا احساس می‌شود، افزود: مسئولان ورزشی باید اهمیت این موضوع را درک و خیرین را به ساخت اماکن ورزشی تشویق کنند.

کامیاب با بیان اینکه مشارکت در ساخت اماکن ورزشی به اندازه ساخت مدرسه و مسجد لازم است، افزود: در بیانات مقام معظم رهبری نیز بارها بر پرداختن جوانان به ورزش تاکید شده است و به همین دلیل باید امکاناتی فراهم شود که جوانان بتوانند بدون تحمل هزینه‌های سنگین از فضاهای ورزشی استفاده کنند.

بانوان دونده فارس بر سکوی سوم کشور ایستادند

تیم دوومیدانی بانوان فارس در رقابتهای داخل سالن قهرمانی کشور مقام سوم را به دست آوردند.

به گزارش روابط عمومی ورزش و جوانان فارس در مسابقات دوومیدانی داخل سالن قهرمانی کشور گرامیداشت شهدای آتش نشان و دهه مبارک فجر، تیم خراسان رضوی در بخش بانوان با کسب ۶۱ امتیاز بر سکوی نخست این دوره از رقابت ها ایستاد، تیم تهران الف با ۴۳ امتیاز نایب قهرمان شد و تیم فارس نیز با کسب ۳۳ امتیاز بر سکوی سوم قرار گرفت.

در دوی ۴۰۰ متر زهرا بهمنی از فارس دوم شد، در دوی ۶۰ متر با مانع سارا ندافی و سلوا صفاییان دیگر دوندگان فارس دوم و سوم شدند، در پرتاب وزنه مریم نوروزی از تیم فارس بر سکوی قهرمانی ایستاد و در دور ۴ در ۴۰۰ متر امدادی تیم فارس پس از تیم های خراسان رضوی و همدان عنوان سوم را به خود اختصاص داد.

دوره آموزشی بهکاپ ویژه دبیران تربیت‌بدنی در اقلید برگزار شد

دوره آموزشی بهکاپ ویژه دبیران تربیت بدنی در دو بخش آقایان و بانوان در سالن شادروان مختاری اقلید برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی ورزش و جوانان فارس به نقل از روابط عمومی اداره ورزش و جوانان شهرستان اقلید، این دوره آموزشی در چهارم بهمن ماه سال جاری با حضور بیش از ۵۰ نفر از معلمان تربیت بدنی و با همکاری اداره آموزش و پرورش و هیئت گلف شهرستان برگزار شد. رشته بهکاپ به عنوان یکی از سرفصل‌های دوره آموزشی دبیران تربیت بدنی قرار گرفت.

توقیف ۳۲دستگاه وسایل نقلیه متخلف در کازرون

فرمانده انتظامی شهرستان کازرون از توقیف ۳۲ دستگاه وسایل نقلیه متخلف در اجرای طرح برخورد با رانندگان متخلف در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ «رجبعلی رزمجوئی» در گفت و گو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، گفت: طرح ارتقای امنیت اجتماعی، ترافیکی و برخورد با رانندگان متخلف توسط ماموران انتظامی در سطح شهر اجرا شد.

وی افزود: ماموران با اجرای این طرح تعداد ۱۹دستگاه موتورسیکلت و ۱۳ دستگاه خودرو را به علت تخلف از جمله نداشتن گواهینامه، کلاه ایمنی، فقدان مدارک و پلاک توقیف و به پارکینگ انتقال دادند.

فرمانده انتظامی شهرستان کازرون ضمن قدردانی از همکاری خوب مردم با پلیس، از شهروندان خواست در صورت مشاهده هرگونه تخلف و موارد مشکوک مراتب را در سریعترین زمان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دهند.

کشف بیش از سه میلیارد ریال برنج قاچاق

فرمانده انتظامی استان فارس از توقیف هشت دستگاه خودرو حامل کالای قاچاق و کشف ۵۸ تن و ۷۶۰ کیلوگرم برنج قاچاق به ارزش سه میلیارد و ۵۰ میلیون ریال خبر داد.

سردار «احمد علی گودرزی» در گفت و گو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، گفت: ماموران انتظامی شهرستان های لامرد، رستم و جهرم موفق شدند هشت دستگاه خودرو حامل کالای قاچاق را شناسایی و توقیف کنند.

وی افزود: در بازرسی از این خودروها ۵۸ تن و ۷۶۰ کیلوگرم برنج قاچاق و فاقد مدارک قانونی و گمرکی کشف شد.

فرمانده انتظامی استان فارس با اشاره به اینکه ارزش این محموله های قاچاق سه میلیارد و ۵۰ میلیون ریال برآورد شده است، گفت: در این راستا هشت نفر متهم دستگیر و به مرجع قضایی تحویل داده شدند.

سردار گودرزی در پایان بر مبارزه همه جانبه پلیس با پدیده شوم قاچاق کالا تاکید کرد.

سناریوی مرگبار برای سرقت از پیرزن

دختر همسایه با همدستی مرد شیشه‌ای نقشه قتل پیرزن را برای سرقت طلاهایش طراحی کرد، اما بررسی دوربین‌های مداربسته راز این جنایت را فاش کرد.

به گزارش جام‌جم، ۲۹ دی امسال دختری جوان در تماس با پلیس، راز قتل پیرزن ۸۵ ساله در خیابان جیحون را فاش کرد.

ماموران با حضور در آنجا و بررسی‌های اولیه متوجه شدند زن سالخورده به نام آمنه خفه شده است. ماجرای این جنایت به سجاد منافی‌آذر، کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، گزارش شد و با هماهنگی قضایی تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغازشد.

دختری جوان به نام مریم که این قتل را گزارش کرده بود، در تحقیقات گفت: آمنه از من خواست چون دستگاه کنترل تلویزیونش خراب شده، برایش کنترلی بخرم و به خانه‌اش بیاورم. عصر برای او کنترلی خریدم. وقتی به خانه بازگشتم متوجه شدم شیشه در ورودی خانه آمنه شکسته شده است. از میان شیشه‌های شکسته به داخل نگاه کردم و با جسد او در اتاق نشیمن روبرو شدم.

ماموران که به اظهارات مریم مشکوک شده بودند، تحقیقات را روی او متمرکز کرده و با بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند، روز حادثه مردی میانسال او را تعقیب می‌کرده است. در حالی که مریم منکر آشنایی با مرد میانسال بود، خانواده‌اش با مشاهده تصویر اعلام کردند مرد میانسال سال‌ها قبل همسایه آنها بوده است.

با افشای این موضوع، مریم تحت بازجویی قرار گرفت که این بار گفت: با مجید چهار سال پیش در ۳۰ متری جی همسایه بودیم. او به خاطر اختلاف‌هایی که با همسرش داشت از او جدا شد. بعد از آن هم از مجید خبر نداشتم.

در ادامه مجید ششم بهمن دستگیر شد. مرد میانسال در بازجویی‌ها به قتل آمنه با همدستی مریم اعتراف کرد و گفت: چهار سال پیش با مریم و خانواده‌اش در منطقه ۳۰ متری جی آشنا شدم. آن زمان متاهل بودم و با همسرم درگیری داشتم. مریم به عنوان یکی از همسایه‌ها، با میانجیگری سعی در آشتی ما دو نفر داشت. پس از جدایی از همسرم، معتاد شدم. مریم هم به صورت پنهانی شیشه مصرف می‌کرد و همین موضوع باعث نزدیکی من و مریم شد. من مشکلات مالی داشتم و مریم در این مدت به من کمک مالی می‌کرد. حدود یک ماه قبل از جنایت یک بار با معرفی مریم و برای نظافت به خانه پیرزن رفتم. از آن زمان، چند بار پیشنهاد سرقت طلا و جواهرات را با مریم مطرح کردم اما او زیر بار نمی‌رفت تا این‌که چند روز قبل، این بار مریم پیشنهاد سرقت را مطرح کرد. روز جنایت قرار شد مریم در ورودی آپارتمان را باز کند و همین کار را کرد. پس از ورود به داخل ساختمان، در آپارتمان مقتول را زدم و وقتی آمنه در را باز کرد، محکم در را به صورتش کوبیدم و او به داخل اتاق پذیرایی افتاد.با طناب، دست و پا و دهان پیرزن را بستم. هنگامی که قصد بستن دستان مقتول از پشت‌سر را داشتم، دست چپش شکست. ابتدا یک انگشتر طلا را از داخل دست پیرزن خارج کردم. برای پیدا کردن طلاها به داخل اتاق‌ها رفتم اما موفق به پیدا کردن طلا و جواهرات نشدم. از مریم سوال کردم که او مدعی شد طلاها پیش دختر آمنه است. پس از جست‌وجوی داخل اتاق‌ها و بدون پیدا کردن طلا و جواهرات، یک دستگاه ویدئو، یک دستگاه پلی‌استیشن و یک تخته‌فرش دستباف را سرقت کردیم و از ساختمان خارج شدیم. پس از مدتی به مریم زنگ زدم و متوجه شدم پیرزن به علت خفگی فوت کرده است. همزمان با اعتراف وی، مریم نیز بازداشت شد و به همدستی با مجید در این جنایت اعتراف کرد.

سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، در این‌باره گفت: با اعتراف متهمان، آنها روانه زندان شدند.

بازی کودک با کبریت حادثه ساز شد

در اثر سهل انگاری والدین و بازی یک کودک با کبریت یک منزل به آتش کشیده شد.

به دنبال تماس یک شهروند با سامانه ۱۲۵ و اعلام وقوع حریق و مشاهده دود از داخل یک منزل مسکونی، تیم های اطفایی از ایستگاه هفت به سرعت خود را به محل اعلام شده که یک منزل مسکونی واقع در منطقه هفت شهرداری بود، رساندند.

آتش نشانان پس از حضور در محل، با توجه به دود غلیظ، به سرعت خود را به تجهیزات تنفسی از جمله سیلندر و ماسک تجهیز کرده و پس از پیدا کردن کانون حریق، عملیات اطفا را به وسیله چندین رشته آبدهی انجام دادند.

در این حادثه که از یک اتاق آغاز شده بود و به دلیل بازی کودک با کبریت و منتقل شدن شعله به اسباب منزل اتفاق افتاده بود، خوشبختانه کسی صدمه ندید ولی بخش زیادی از اسباب و لوازم منزل در آتش سوخت.

آتش گرفتن ضایعات از دیگر عملیات های اطفایی آتش نشانان بود که از جمله آنها آتش زدن حدود پنج تن ضایعات چوب و شاخ و برگ درختان در یک مجتمع مسکونی بود که با توجه به دود غلیظ و از کنترل خراج شدن شعله‌های آتش و ایجاد مزاحمت برای شهروندان، این حادثه به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد.

تیم های اطفایی از ایستگاه ۹ عملیات مهار و اطفای این آتش‌سوزی را پس از ۲:۳۱ دقیقه تلاش مهار کردند.با توجه به گزارش های متعدد در خصوص آتش سوزی ضایعات در محوطه این مجتمع، مراتب به عوامل مربوطه اعلام شد.

همچنین در گزارش دیگری ۲۰۰ کیلو ضایعات چوب به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و به دنبال آن تیم‌های اطفایی از ایستگاه چهار به محل حادثه رفته و پس از ۴۸ دقیقه و به وسیله چندین رشته آبدهی حریق را خاموش کردند.

اعتیاد خانه ام را سوزاند

از چند قدمی می‌توان اعتیاد را از چهره‌اش خواند. حال و روز خوبی ندارد. مدام چرت می‌زند و کلماتی که به زبان می‌آورد آنقدر گسیخته و بی‌معنی است که باید ذکاوت زیادی داشته باشی تا بتوانی آنها را کنار هم قرار دهی و منظور و مفهومش را از گفته هایش بفهمی.

اتهامش نشئگی و مصرف مواد نیست، دزدی و حمل مواد هم نبود، اتهامش سنگین‌تر از این حرف هاست که بتوان از آن صحبت کرد.

او متهم به قتل است؛ قتل همسرش در انتهای چاهی تاریک و در اوج تنهایی، اما شاهد کوچک ماجرا راز مرد شیشه‌ای را برملا کرد. رازی که شاید اگر شاهد کوچک به زبان نمی‌آورد هرگز برملا نمی‌شد و در دل چاه عمیق دفن می‌شد.

-چرا همسرت را کشتی؟

-نمی‌خواستم او را بکشم. مواد که مصرف می‌کردم حالم دگرگون می‌شد و نمی‌فهمیدم کی کجاست و چه می‌گوید. همسرم را عامل بدبختی می‌دیدم و دیو بزرگی که می‌خواهد مرا به دام بیندازد و زندانی کند. برای همین او را کتک می‌زدم. دلم نمی‌خواست این کار را انجام بدهم، اما مواد وادارم می‌کرد. من دو راه داشتم؛ یا باید مواد را ترک می‌کردم یا همسرم را کتک می‌زدم. راه اول را که نمی‌توانستم طی کنم پس چاره‌ای جز انجام راه دوم نداشتم.

-روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

-مثل همیشه همسرم را زیر مشت و لگد گرفتم. آنقدر کتک خورد که از هوش رفت، شاید هم مرد. فکر می‌کنم مرد. نمی‌دانم شاید هم زنده بود، اما خودم فکر می‌کنم مرده بود. باید در موردش فکر کنم. بعد ترسیدم، برای همین او را داخل چاه انداختم. با خودم گفتم دستگیر می‌شوم برای همین جسدش را داخل چاه انداختم. گفتم جسد، ولی آن زمان مطمئن نبودم که مرده است. به هر حال اگر هم زنده بود، شاید به زودی می‌مرد.

-چطور دستگیر شدی؟

-تقصیر بچه‌ام بود. او مرا لو داد.

-چطور؟

بعد از مرگ مادرش بچه خیلی بی‌تابی می‌کرد. همه‌اش سراغ مادرش را می‌گرفت و بهانه‌های الکی می‌گرفت. من هم از دست بهانه‌های او خسته می‌شدم و مدام او را کتک می‌زدم. همسایه‌ها از شنیدن صدای گریه بچه به ماجرا مشکوک شده و با پلیس تماس گرفتند. پلیس هم بعد از تحقیقات و دیدن آثار کبودی روی بدن بچه به دستور دادستان بچه را به بهزیستی داد. زمانی که بچه‌ام وارد بهزیستی شد شب اول ماجرای قتل مادرش را که شاهدش بود و علت کتک‌های وقت و بی‌وقتش را به مددکارش می‌گوید. مددکار هم موضوع را به پلیس می‌گوید و دیگر خودتان حدس بزنید که چه اتفاقی افتاد.

-جسد همسرتان را پیدا کردند؟

-بله، جسد او را داخل چاه پیدا کردند و با پیدا شدن جسد من چاره‌ای نداشتم جز این که واقعیت را به زبان بیاورم. به قتل همسرم اعتراف کردم و مرا به اینجا آوردند.

-گفتی بچه‌ات را به بهزیستی سپردند، نپرسیدند مادرش کجاست؟ یا سراغ اقوام دیگرت را نگرفتند که بچه را به دست آنها بدهند؟

-در تحقیقات سراغ همسرم را گرفتند، اما من به دروغ گفتم او از خانه قهر کرده و خبری از او ندارم. در مورد اقوام هم گفتم کسی را در این شهر ندارم. اگر نشانی کسی را می‌دادم همه چیز لو می‌رفت و آنها می‌گفتند همسرم قهر نکرده و در خانه است. همسرم آنقدر زن بسازی بود که هر چه او را کتک می‌زدم سکوت می‌کرد و از این موضوع به خانواده اش حرفی نمی‌زد.

-پشیمانی؟

-خیلی، می‌توانستم مواد را کنار بگذارم و به زندگی‌ام ادامه دهم، آن هم بدون دعوا و کتک‌کاری، اما تصمیم غلطی که گرفتم به غیر از این که زندگی خودم و زنم را نابود کرد زندگی بچه‌ام را هم به نابودی کشاند.